

# نسبت سنجی شرط «عدم ضرر» در امر به معروف و نهی از منکر با «رفتار امام حسین (ع)»، با تأکید بر نظریه امام خمینی (ره)

مهدی پورحسین\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

## چکیده

فقهاء «عدم مفسده و ضرر» را یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر می دانند، اما امام حسین (ع) با این که ماهیت قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر می دانست، با علم به شهادت، به این قیام دست زده و به این شرط عمل نکرده است. فقهاء در توجیه این اقدام امام حسین (ع)، احتمالاتی چون «عدم گمان به شهادت»، «منحصر بودن راه به شهادت»، «جواز صلح با دشمن، نه وجوب آن»، «رمز آلود بودن حرکت امام (ع)» و «سقوط شرط عدم ضرر با اهمیت واجب»؛ را مطرح کرده اند ولی امام خمینی با تئوریزه کردن احتمال آخر، آن را به یک نظریه تبدیل کرده و در عرصه عمل نیز آن را به اجرا در آورده است.

**کلیدواژه‌گان:** امام حسین (ع)، امر به معروف، اهمیت، ضرر، نهی از منکر.

سیهر سیاست

سال سوم

شماره هفتم

بهار ۱۳۹۵

## مقدمه

از امتیازات اندیشه اجتماعی اسلام، اهتمام ویژه به ترویج فرهنگ دینی و تأکید بر رواج نیکی‌ها و جلوگیری از نشر و گسترش زشتی‌ها، جهت جلوگیری از ناهنجاری‌ها، جرم و تهبکاری در جامعه است. این مهم، در قالب نقد شرایط موجود و تحت عنوان وظیفه‌ای دینی و حق خدادادی، با نام «امر به معروف و نهی از منکر» در آموزه‌های دین، طراحی شده است.

امر به معروف و نهی از منکر، نوعی نظارت و مراقبت عمومی است که در صورت اجرایی شدن، سلامت جامعه را به بهترین شکل تضمین می‌کند. نقش تأثیرگذاری و بازدارندگی این وظیفه ارزشمند اجتماعی، در ساحت‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، جهت فزونی فضایل و زدودن رذایل، غیر قابل انکار است. در اهمیت این فریضه الهی همین بس که ملاک برتری امت اسلامی بر امت‌های دیگر است:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup>

و تمامی نیکی‌ها در مقابل آن، ناچیزند:

«وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا

كُنْفَتَهُ فِي بَحْرِ الْحَيِّ»<sup>۲</sup> تمام اعمال نیک و جهاد در راه خدا در نزد امر به معروف و

نهی از منکر مانند آب دهانی است در دریای ژرف و پهناور.

در منطق قرآن حتی افرادی از ادیان دیگر که به این وظیفه مهم اجتماعی اهتمام

می‌ورزند؛ مردانی صالح نام دارند.<sup>۳</sup>

تشریح اصل این وظیفه در اسلام، از نوعی احساس مسئولیت افراد در برابر دیگران حکایت دارد. بلکه از آن‌جایی که پای «امر» و «نهی» و دخالت در امور و شؤون دیگران، در کار است، نشان از نوعی ولایت افراد جامعه بر یکدیگر دارد. این سخن در مکاتب فردگرایی عصر کنونی، منطق قابل قبولی ندارد. چرا که آزادی و استقلال انسان در حوزه‌های فردی و رفتار شخصی، از اصول مسلم این مکاتب



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هفتم  
بهار ۱۳۹۵

۱. آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴، ص ۵۴۲

۳. آل عمران، آیه ۱۱۳-۱۱۴.

به شمار می‌رود و دخالت دیگران در شؤون افراد، تنها آن‌جایی مجاز است که خود شخص این حق را به دیگران واگذار کرده باشد و الا هیچ کس حق دخالت در شؤون فرد دیگر را به هیچ وجه، نخواهد داشت. اما در مکتب اسلام، این امر نه تنها معقول و پذیرفته شده است، بلکه یک واجب شرعی نیز به حساب می‌آید. در این مکتب، مالک تمام هستی خداست و هر ولایتی از آن اوست و هم او، می‌تواند این ولایت را به دیگران واگذار کند و در این مورد خداوند متعال به صراحت آیه ۷۱ سوره توبه، مؤمنان را نسبت به همدیگر ولایت بخشیده و نسبت به سرنوشت هم نوعان خود مسئول قرار داده است:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

و پیامبر اسلام نیز بر این مسئولیت همگانی مهر تایید نهاد: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»<sup>۱</sup>

بنابراین، در نظام سیاسی اسلام، همان گونه که مردم حق تعیین سرنوشت خویش و حق بهره‌مندی از فضای سالم رشد و تعالی معنوی دارند، برای ایجاد این فضا و جلوگیری از آلوده شدن آن نیز، محق و مکلفند. در این مکتب، هر شخص همان‌طور که مسئول اعمال و رفتار خویش است، نسبت به اعمال و رفتار دیگر مؤمنان نیز مسئولیت دارد. از اینجا است که خداوند متعال با ادبیات آمرانه، آن را از متدینان خواسته و به همین ادله نیز در فقه، واجب شمرده شده است:

- «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۲</sup>

- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»<sup>۳</sup>

- «يَا بَنِي آدَمَ اقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»<sup>۴</sup>

ضمن این‌که روایات زیادی نیز بر این امر دلالت دارند.<sup>۵</sup> در عین حال اکثر فقهاء

نسبت سنجی  
شرط «عدم ضرر»  
در امر به معروف و ...  
(۵۷ تا ۷۶)

۱. مجلسی، ۳۸/۷۲

۲. آل عمران، آیه ۱۰۴.

۳. همان، آیه ۱۱۰.

۴. لقمان، آیه ۱۷.

۵. ر.ک کنبد: کلینی، ۵۵/۵، عاملی، حر، ۱۱۷/۱۶

شیعه وجوب امر به معروف و نهی از منکر را به دلیل عقلی می‌دانند. آنان برای وجوب عقلی این فریضه به قاعده لطف،<sup>۱</sup> وجوب دفع ضرر از نفس،<sup>۲</sup> شکر منعم<sup>۳</sup> و مقدمه بودن آن برای انجام فرایض<sup>۴</sup>؛ استدلال کرده‌اند.

عمده‌ترین دلیل عقلی در این زمینه آن است که امر به معروف و نهی از منکر، نقش بسیاری در فراهم آوردن عوامل تقریب بندگان به سوی مصالح و دوری از مفاسدشان دارد؛ زیرا با امر و نهی، مردم به سمت عمل به معروف و دوری از منکر می‌روند و عقل به روشنی حکم می‌کند بر هر چه که مصالح را به ما نزدیک می‌کند، دست یابیم. یعنی حکمت الهی اقتضاء می‌کند آنچه موجب نزدیکی بندگان به طاعات و دوری‌شان از گناه است، فراهم آید و از سوی خداوند متعال واجب گردد؛ که چنین شد.<sup>۵</sup>

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، مفهومی عام و فراگیر داشته، دامنه گسترده‌ای از معروف‌های واجب و مستحب و منکرهای حرام و مکروه را در بر می‌گیرد و به تناسب موضوع، حکم آن نیز در وجوب، حرمت، مستحب و مکروه، متغیر خواهد بود. این واجب، ضمن در برگرفتن حوزه‌هایی چون عبادات و معاملات، مصادیق جزئی چون نماز خواندن، روزه گرفتن، کمک به فقرا، رعایت انصاف در معاملات، آداب زندگی، تا مصادیق کلانی چون اداره جامعه، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و دفاع از نظام اسلامی را در بر می‌گیرد.

در واقع نقش امر به معروف و نهی از منکر در آموزه‌های دین، نقش موتور محرکی است که تمامی احکام دین را حیات می‌بخشد و موجب عمل شدن به همه آن‌ها می‌شود. به همین خاطر است که ارزش آن، بسیار بیشتر و بالاتر از تمامی نیکی‌ها در اسلام دانسته شده است.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هفتم  
بهار ۱۳۹۵

۱. طوسی، الاقتصاد، ۱۴۷، عاملی، شهید ثانی، ۱ / ۲۲۴.

۲. حلی، ابن ادریس، ۲ / ۲۱.

۳. نجفی، کاشف الغطاء، ۴ / ۴۲۶.

۴. ر. ک: عراقی، ۴ / ۴۴۴.

۵. ر. ک خرازی، سید محسن، دلایل عقلی و نقلی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، مجله حکومت اسلامی، ش ۲۳.

## شرط عدم مفسده و ضرر

با همه ارزش و اهمیتی که امر به معروف و نهی از منکر در اسلام دارد، در عین حال یک واجب مطلق و بدون ضابطه نیست، فقهاء برای اجرایی شدن این فریضه شرایطی را بر اساس آموزه‌های دین، قائل شده‌اند که: «شناخت معروف و منکر»، «احتمال تأثیر»، «اصرار بر گناه» و «عدم مفسده و ضرر»، می باشد.

چنان که ملاحظه می شود فقهاء فقدان مفسده را یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده‌اند. عدم مفسده در لسان فقهاء همان عدم ضرر جانی، مالی و عرضی به خود آمر و ناهی یا دیگران است. طبیعی است وقتی اصل این واجب برای جلوگیری از مفسدات و منکرات در جامعه و نسبت به اشخاص، تشریح شده است، پذیرفته شده نیست که خود این واجب، موجب ضرر یا مفسده گردد. لذا هرگاه اقدام به امر به معروف و نهی از منکر موجب ضرر یا مفسده شود، متوقف شده و وجوب آن ساقط می شود. شیخ طوسی در کتاب نهاییه در باره این شرط می نویسد: «الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر یجبان بالقلب و اللسان و الید، إذا تمکن المکلّف من ذلك، و علم أنّه لا یؤدّي الی ضرر علیه و لا علی أحد من المؤمنین لا فی الحال و لا فی مستقبل الأوقات، أو ظنّ ذلك. فإن علم الضرر فی ذلك، إمّا علیّه أو علی غیره، إمّا فی الحال أو فی مستقبل الأوقات، أو غلب علی ظنّه. لم یجب علیه من هذه الأنواع، إلا ما یأمن معه الضرر علی کلّ حال؛ امر به معروف و نهی از منکر واجب می شوند به قلب و زبان و دست، زمانی که مکلف متمکن از آن باشد و بداند یا گمان داشته باشد که این امر منجر به ضرر بر خودش، و یا یکی از مؤمنین در هیچ وقت نمی شود اما اگر بداند یا گمان داشته باشد که این امر ضرری را متوجه خود یا دیگری، در حال حاضر یا آینده می کند، هیچ یک از انواع فوق بر او واجب نیست مگر در صورتی که در هر حال از ضرر ایمن باشد.» صاحب جواهر هم در این باره می فرماید: «أن لا یکون فی الإنکار مفسدة، فلو علم أو ظن توجه الضرر إلیه أو إلی ماله أو إلی عرضه أو إلی أحد من المسلمین فی الحال أو المآل سقط الوجوب بلا خلاف أجده فیہ کما اعترف به بعضهم؛ شرط است که در انکار منکر، مفسده‌ای نباشد، اما اگر بداند یا گمان داشته باشد که

نسبت سنجی  
شرط «عدم ضرر»  
در امر به معروف و ...  
(۵۷ تا ۷۶)

۱. طوسی، النهاییه، ص ۲۹۹.

۲. نجفی، صاحب جواهر، ۲۱ / ۳۷۱

ضرری متوجه جان، مال و آبروی خودش و یا یکی از مسلمانان در حال و آینده می شود، وجوب ساقط است و من اختلافی از فقهاء در این باره ندیدم، چنان که برخی فقهای دیگر نیز به غیر خلافی بودن این مسئله اذعان کرده‌اند. امام خمینی نیز با پذیرش این شرط می گوید: «أن لا يكون في إنكاره مفسدة. لو علم أو ظنَّ أنَّ إنكاره موجب لتوجه ضرر نفسي أو عرضي أو مالي يعتد به عليه، أو على أحد متعلقيه كأقربائه و أصحابه و ملازميه، فلا يجب و يسقط عنه، بل و كذا لو خاف ذلك لاحتمال معتد به عند العقلاء. و الظاهر إلحاق سائر المؤمنين بهم أيضاً؛ در انكار او مفسده‌ای نباشد. اگر بداند یا گمان کند که انكار او موجب ضرر جانی یا آبرویی یا مالی‌ای که مورد توجه است، بر او یا بر یکی از مربوطین او مانند خویشان و یاران و همراهانش می‌شود، (انكار) واجب نیست و از او ساقط می‌شود، بلکه همین‌طور است اگر به خاطر احتمالی که عقلاء به آن اعتنا می‌کنند از متوجه شدن چنین ضرری ترس داشته باشد و ظاهر آن است که بقیه مؤمنین هم به خویشان و دوستانش ملحق می‌شوند.»<sup>۱</sup> چنان که صاحب جواهر اشاره کرده‌اند، بقیه فقهاء نیز این مضمون را مورد تأیید قرار داده و اصل این شرط مورد اتفاق فقهاء شیعه می‌باشد.

### ارزیابی شرط

همان‌گونه که اشاره شد، منوط کردن وجوب امر به معروف و نهی از منکر، به شرط فوق از سوی فقهاء، برخاسته از ادله شرعی است و در عرف عقلا نیز امر معقول و پذیرفته شده‌ای محسوب می‌شود. اگر بنا باشد برای رواج یک نیکی یا بازداشت فردی از یک کار ناپسند، جان مؤمنی تلف یا خسارتی بر او و یا منسوبان به او وارد گردد و یا آبروی مسلمانی در این راه ریخته شود، طبع سلیم آن را نپسندیده و از چنین کاری نهی می‌کند. بنا براین، شرط چنین قیدی در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، شرطی معقول و پذیرفته شده می‌باشد اما در عین حال نمی‌توان انکار کرد که نتیجه چنین شرطی آن خواهد بود که مرتبه بالای امر به معروف و نهی از منکر، که همان قیام و مبارزه علیه حاکم نامشروع و جلوگیری از ظلم و تجاوزگری قدرتمندان باشد؛ از دایره شمول امر به معروف و



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هفتم  
بهار ۱۳۹۵

۱. خمینی، تحریرالوسیله، ۱/ ۴۷۲

نهی از منکر خارج شود و به خاطر ضرری که قطعاً متوجه آمر و ناهی و یا دیگران خواهد شد، ممنوع باشد. برای این که معنا ندارد حاکمی جائز و ظالم باشد و کسی در مقابل او دست به قیام براندازانه بزند اما در عین حال ضرری متوجه آمر یا دیگران نباشد. اساساً حکومت‌های مستبد و ظلم پیشه، با بستن منافذ نصیحت، انتقاد و اعتراض و به صلابه کشیدن مخالفان قادر به ادامه حیات می باشند و اگر بنا بود به مخالفان و معترضان اجازه عرض اندام داده شود، حکومت آنان به استبداد نمی گرایید و یا زودتر از این، با پندگیری از نصیحت مشفقان، خود را اصلاح می کرد. از این رو، تاریخ مبارزات مصلحان در برابر ظلم و اجحاف زورمداران نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر در برابر آنان بی اثر بوده و از انواع خطرات مالی، عرضی و جانی نیز مصون نمی باشد.

### پرسش اصلی

حال پرسش اساسی در اینجا این است که اگر یکی از شرایط مهم امر به معروف و نهی از منکر عدم مفسده و عدم ضرر است، پس چگونه سرور و سالار شهیدان، امام حسین (ع)، علیه ظالمان زمان خود با همه خطراتی که وجود داشت قیام کرده و حرکت خود را نیز «امر به معروف و نهی از منکر» نامید؟! مگر نه این است که امام (ع)، می دانست نه تنها خود، بلکه تمام خانواده او در این راه شهید و یا متضرر و اسیر خواهند شد؟<sup>۱</sup> آیا لازم نبود با توجه به شرط عدم ضرر در امر به معروف، از این کار خود داری کرده و چون برادر شهیدش امام حسن (ع)، با دشمنان صلح می کرد؟ با این حال، آیا رفتار امام حسین (ع)، مطابق با موازین شناخته شده فقه نبوده یا سر دیگری در کار بوده است؟

### دیدگاه فقهاء

فقهاء شیعه که یکی از منابع فقه را سیره امامان معصوم می دانند، همواره با پرسش فوق مواجه بوده و برخی از آنان تلاش کرده‌اند با لسان فقه به این پرسش

۱. مجلسی، ۳۲۹/۴۴

۲. همان، ۳۶۴/۴۴

نسبت سنجی  
شرط «عدم ضرر»  
در امر به معروف و ...  
(۵۷ تا ۷۶)

مهم، پاسخ گویند. در تکاپوی فقهاء برای پاسخ به پرسش بالا، پنج نظریه پدید آمده است که به شرح زیر می باشد:

#### یک: امام حسین (ع)، گمان نمی کرد به شهادت برسد

امین الاسلام طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان نخستین فقیه شیعی است که این بحث را آغاز کرده است. طبرسی اگر چه با نام تفسیرش شهره است اما تحلیل های فقهی او نشان می دهد که فقهی زبر دست نیز بوده است. از جمله وی در ذیل آیه شریفه «لَا تُلْفُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»، در تحلیلی فقهی دو احتمال را مطرح می کند و در نخستین احتمال می گوید مستفاد از این آیه ترک امر به معروف هنگام ترس از ضرر است اما امام حسین (ع) گمان نمی کرد با توجه به جایگاهی که نسبت به پیامبر اسلام (ص) داشته است، گشته شود:

«في هذه الآية دلالة على تحريم الإقدام على ما يخاف منه على النفس و على جواز ترك الأمر بالمعروف عند الخوف لأن في ذلك إلقاء النفس إلى التهلكة و فيها دلالة على جواز الصلح مع الكفار و البغاة إذا خاف الإمام على نفسه أو على المسلمين كما فعله رسول الله ص عام الحديبية و فعله أمير المؤمنين (ع) بصفين و فعله الحسن (ع) مع معاوية من المصالحة لما تشئت أمره و خاف على نفسه و شيعته فإن عورضنا بأن الحسين (ع) قاتل وحده فالجواب أن فعله يمتثل وجهين (أحدهما) أنه ظن أنهم لا يقتلونه لمكانه من رسول الله ص...؛ در این آیه دلالتی است بر حرمت اقدام بر آنچه که از آن خطر جانی می رود و بر جواز ترک امر به معروف و نهی از منکر، جایی که خوف خطر وجود دارد؛ زیرا این کار، زمینه به هلاکت افکندن خویش است. چنان که این آیه دلالت دارد بر جائز بودن صلح با کفار در صورتی که امام برای خود و یا برای مسلمین خطری بینید همانطوری که رسول اکرم در «حديبيه» و حضرت علی در «صفين» و امام حسن عليه السلام با معاويه صلح برقرار کردند. و اما داستان حسين بن علي و جنگش با طرفداران يزيد که احتمال کشته شدن داشت، می توان گفت روی دو جهت بود، اول آن که او فکر می کرد مردم جایگاه او را نزد رسول اکرم در نظر دارند و حضرتش را نمی کشند...».

خلاصه نظر صاحب مجمع این است که:

- هر اقدامی که خطر جانی داشته باشد حرام است.
- امر به معروف را در صورت خوف و احتمال خطر، می توان ترک کرد؛ چرا که یکی از مصادیق «افتادن در هلاکت» است.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هفتم  
بهار ۱۳۹۵



- اگر امام در رویارویی با کفار و باغیان، نسبت به جان خود یا مسلمانان نگرانی داشته باشد جایز است با آنان صلح کند.<sup>۱</sup>
- امام حسین (ع) خوف گشته شدن نداشت چون فکر می کرد مردم جایگاه او را نزد رسول اکرم در نظر دارند و حضرتش را نمی کشند.
- به گمان امین الاسلام، امام حسین (ع) اگر خوف گشته شدن نداشت، همچون پیامبر اسلام (ص) در حدیبیه، امیرالمؤمنین (ع) در صفین و امام حسن (ع) در مقابل معاویه و همه متدینان، به شرایط امر به معروف و نهی از منکر عمل می کرد اما چون گمان می کرد ضرری متوجه ایشان نیست لذا به شروط فقهی امر به معروف و نهی از منکر توجه نکرد.
- این احتمال مرحوم طبرسی موضوعی نیست که با توجه به اعتقادات غالب شیعیان در باب علم امام (ع)، به توان آن را به آسانی پذیرفت. چنان که این احتمال با سخنان خود امام حسین (ع)، مبنی بر علم به شهادت<sup>۲</sup> همسان نیست و نمی تواند مورد پذیرش قرار گیرد.

#### دو: امام حسین (ع)، چاره‌ای غیر از این نداشت

احتمال دیگر مرحوم طبرسی این است که امام حسین (ع) چاره‌ای غیر از رویارویی با دشمن نداشت، چون می دانست در هر حال گشته می شود، و لذا شهادت افتخار آمیز را ترجیح داده است:

«و الآخر أنه غلب على ظنه أنه لو ترك قتالهم قتله الملعون ابن زياد صبرا كما فعل باین عمه مسلم فكان القتل مع عز النفس و الجهاد أهون عليه؛ حضرت می دانست و یا ظن قوی داشت که اگر جنگ هم نکند او را می کشند هم چنان که پسر عمش مسلم بن عقیل را کشتند در این صورت کشته شدن با عزت و در راه خدا و جهاد برایش آسان تر و گواراتر بود».

صاحب جواهر نیز با پذیرش این احتمال می نویسد: «و ما وقع من الحسين عليه السلام ... يمكن أن يكون لاختصار الطريق في ذلك، علما منه عليه السلام أنهم عازمون على قتله على كل حال كما هو الظاهر من أفعالهم و أحوالهم و كفرهم و عنادهم، و لعل نفر العشرة كذلك

۱. ر.ک: مرتضوی، ۲۶

۲. مجلسی، ۳۱۵ / ۴۴

نسبت سنجی  
شرط «عدم ضرر»  
در امر به معروف و ...  
(۵۷ تا ۷۶)

ایضا؛ آنچه که از سوی امام حسین (ع)، واقع شده ... ممکن است از این رو باشد که تنها راه حضرت همین بوده و چاره دیگری نداشته است، چون حضرت می دانست آنها در هر حال، عزم بر گشتن او دارند، چنان که ظاهر رفتار، احوال، کفر و عناد یزیدیان نیز همین را نشان می دهد و شاید ارسال آن ده نفر به جنگ با قبیله هذیل از سوی پیامبر (ص)، هم از همین باب بوده است.

محقق کرکی هم در جامع المقاصد تصریح می کند امام حسین با شرایطی که داشته، راهی غیر از جهاد با دشمن نداشته است.<sup>۱</sup>

این احتمال اگر چه نیاز به بررسی بیشتر تاریخی دارد اما ظاهراً با برخی کلمات دشمنان که حضرت را مخیر به بازگشت به مدینه کرده بودند،<sup>۲</sup> و سخنان خود حضرت و شوق زاید الوصف آن حضرت برای این سفر و استقبال از شهادت<sup>۳</sup> و اطلاع از آن<sup>۴</sup> سازگار نیست.

#### سه: صلح با دشمن جایز است نه واجب

علامه حلی که به حق یکی از استوانه‌های محکم فقه شیعه به شمار می رود، معتقد است اساساً صلح با دشمنان و ترک مبارزه واجب نیست تا اگر کسی ترک کرده باشد، دچار معصیت شده باشد، بلکه صلح و مدارا یک امر جایز است. هر یک از مسلمانان می توانند با عمل به آیه «وَلَا تُلْفُتُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»<sup>۵</sup>، با دشمنان از در صلح در آیند و یا با عمل به آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»<sup>۶</sup>، راه مبارزه و قیام را پیشه کنند و به فیض شهادت نایل آیند و امام حسین (ع)، نیز در جریان کربلا به اختیار خود راه دوم را انتخاب کرده است:

«الهدنة ليست بواجبة على كلِّ تقدير، سواء كان بالمسلمين قوّة أو ضعف، لكنّها جائزة، لقوله تعالى: وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا<sup>۷</sup>، و للآيات المتقدمة، بل المسلم يتخیر في فعل ذلك برخصة



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هفتم  
بهار ۱۳۹۵

۱. کرکی، ۳ / ۴۶۷

۲. همان، ۴۴ / ۳۱۴

۳. همان، ۴۴ / ۳۶۴

۴. همان، ۴۴ / ۳۳۰

۵. بقره، ۱۹۵

۶. بقره، ۱۹۰

۷. انفال، ۶۱

ما تقدّم. و بقوله تعالى: وَ لَا تُلْفُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ و إن شاء قاتل حتى يلقي الله شهيدا؛ عملا بقوله تعالى: وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ. و بقوله تعالى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً<sup>۱</sup>. و كذلك فعل سيّدنا الحسين عليه السلام، و النفر الذين وجههم النبيّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَى هَذِيل، و كانوا عشرة فقاتلوا مائة حتى قتلوا و لم يفلت منهم أحد إلاّ خبيب، فَإِنَّهُ أُسِرَ وَ قَتِلَ بِمَكَّةَ. و هادن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يهود يثرب عند ابتداء هجرته؛<sup>۲</sup> صلح در هر تقدیر واجب نیست چه مسلمانان در قوت باشند یا ضعف، بلکه صلح جایز است، به خاطر این قول خداوند متعال که «اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در آی»، و آیاتی که قبلاً گذشت. لذا هر مسلمان در انجام صلح مخیر است بخاطر جوازی که گفته شد و به دلیل آیه «خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید»، و اگر هم خواست با عمل به آیه «در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید»، و آیه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند»؛ با دشمنان بجنگد تا خدا را با شهادت ملاقات کند. و آقای ما امام حسین (ع) به همین راه دوم عمل کرده است، چنان که گروه ده نفره‌ای که پیامبر (ص)، به قبیله هذیل فرستاد به همین شیوه عمل کردن و ده نفره در مقابل صد نفر جنگیدند تا شهید شدند و از میان آنها کسی نجات نیافت مگر خبیب که اسیر شده و در مکه گشته شد. در مقابل پیامبر (ص) در ابتدای مهاجرت به یثرب با یهود آن دیار از در صلح در آمد.

گفتنی است شهید ثانی در مسالک<sup>۳</sup>، این جملات علامه را از تذکره نقل کرده، اما بدون هیچ داوری از آن عبور کرده است که ظاهر آن، تأیید دیدگاه علامه می‌باشد.

مستفاد از این نظریه در بحث ما این است که در مراتب بالای امر به معروف و نهی از منکر نیز، به خاطر مخاطرات آن، هر مسلمانی مخیر است راه مدارا و ترک مبارزه و صلح را انتخاب کند یا جهاد و شهادت را و از این نظر عمل امام حسین (ع) با دیگر متدینان هیچ تفاوتی ندارد. امام (ع)، بر سر دوراهی شهادت و صلح،

۱. توبه، ۱۲۳.

۲. حلی؛ منتهی المطلب، ۱۵/ ۱۲۱؛ و نیز رک: تذکره الفقهاء، ۹/ ۳۵۸.

۳. شهید ثانی، ۳/ ۸۲.

شهادت را انتخاب کرده و هر آمر و ناهی نیز می تواند همین انتخاب یا عکس آن را داشته باشد.

روشن است که این نظریه علامه در خصوص موضوع ما زمانی قابل پذیرش است که اثر، شرط عدم ضرر در امر به معروف و نهی از منکر در جایی که ضرر وجود دارد، تنها اسقاط وجوب باشد نه حرمت اقدام. یعنی اگر ضرری نباشد، واجب باشد که شخص مسلمان در برابر منکرات نهی از منکر نماید اما اگر ضرر وجود داشت وجوب ساقط و اصل جواز باقی بماند و آمر و ناهی مخیر باشد که اقدام به مبارزه بکند یا از در صلح در آید و مدارا پیشه کند؛ در حالی که از منظر برخی از فقهاء، اقدام مبارزه جویانه در جاهایی که ضرری متوجه خود شخص یا دیگران باشد، حرام می باشد. چنان که ظاهر آیه شریفه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»، و روایات باب<sup>۱</sup> همین را اقتضا دارد. به عنوان نمونه امام صادق (ع) تصریح می فرماید: «مَنْ تَعَرَّضَ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَصَابَتْهُ بَلِيَّةٌ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهَا وَ لَمْ يُرْزَقِ الصَّبْرَ عَلَيْهَا؛ کسی که به سلطان جائر تعرض نماید و ضرری متوجه او گردد، پاداشی بر آن نخواهد داشت و صبری برای آن بلیه روزیش نخواهد شد». ظاهر فتوای فقهایی که در مظان ضرر، وجوب امر به معروف و نهی از منکر را ساقط دانسته اند نیز همین است که اگر مؤمنی بی اعتنا به ضرر، اقدام نماید فعل حرامی را مرتکب شده است. امام خمینی با تصریح به این مطلب می فرماید: «لو خاف على نفسه أو عرضه أو نفوس المؤمنين و عرضهم حرم الإنكار؛ اگر بر جان و یا آبروی خودش و یا بر جان و آبروی مؤمنین، ترس داشته باشد، انکار حرام است».<sup>۲</sup>

بنابر این، نظریه مرحوم علامه حلی نمی تواند برای این دسته از فقهاء مورد پذیرش قرار گیرد.

#### چهار: رمزآلود بودن حرکت امام حسین (ع)

صاحب جواهر که به یک معنا پدر فقه معاصر شیعه محسوب می شود، در احتمالی دیگر حرکت آن حضرت را از اسرار الهی و از اختصاصات ایشان می شمارد که با موازین فقهی رایج قابل توجیه نمی باشد. وی می نویسد:

۱. کلینی، ۵ / ۵۱

۲. خمینی، تحریرالوسیله، ۱ / ۴۷۲



«و ما وقع من الحسين عليه السلام مع أنه من الأسرار الربانية و العلم المخزون ... على أنه له تكليف خاص قد قدم عليه و بادر إلى إجابته، و معصوم من الخطأ لا يعترض على فعله و لا قوله، فلا يقاس عليه من كان تكليفه ظاهر الأدلة و الأخذ بعمومها و إطلاقها مرجحاً بينها بالمرجحات الظنية التي لا ريب في كونها هنا على القول بالوجوب». آنچه که از امام حسین (ع)، واقع شده، با این که از اسرار ربانی و علم پنهان الهی است ... ضمن آن که عمل امام حسین (ع)، تکلیف خاص بوده که حضرت بدان مبادرت ورزیده است و حضرت عاری از خطا نیز می باشد و هیچ اعتراضی بر فعل و قول او وارد نیست. بنا بر این رفتار کسی که وظیفه اش ظاهر ادله و اخذ به عمومات و اطلاعات آن و ترجیح مرجحات ظنی است - که اینجا بی شک بر قول به وجوب صلح دلالت دارد-، نباید با فعل امام معصوم مقایسه گردد».

صاحب جواهر در این احتمال با رمزآلود و خاص دانستن رفتار امام حسین (ع)، اساساً آن را قابل مقایسه با رفتار کسی که وظیفه او ظاهر ادله شرعی است نمی داند. یعنی اگر مثلاً در بحث امر به معروف و نهی از منکر، شروطی از سوی فقهاء مقرر شده است، بر اساس موازین ظاهری فقه و اخذ به عمومات و اطلاعات ادله بوده است که شامل رفتار امام (ع)، نمی شود. بنا براین، عمل امام حسین (ع)، برای افراد عادی از حیز الگو بودن خارج است، امام حسین (ع) به وظیفه خودش که خاص بوده عمل کرده و متدینان نیز باید به وظیفه خود که عام می باشد، عمل نمایند.

کاستی این احتمال همین است که رفتار امام (ع) را که باید الگوی متدینان باشد، اساساً از الگو بودن خارج کرده و تکلیف رمز آلود معرفی می کند، حال آن که امام حسین (ع)، امام معصوم است و طبق ادله متقن فقهی، قول، فعل و تقریر معصوم حجت است، ثانیاً این سخن تاریخی حضرت در همواره تاریخ طنین انداز است که: «يَرِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُغْلِبٌ بِالْفِسْقِ وَ مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ»<sup>۱</sup>، و ملاک بیعت نکردن با چنین شخصی که منشأ قیام امام حسین (ع)، بوده، در تمامی حکومت‌های ظالم و مستبد وجود دارد و بر اساس منطق دینی نمی تواند مخصوص امام (ع) باشد.

۱. همان، ۴۴ / ۳۲۵

نسبت سنجی  
شرط «عدم ضرر»  
در امر به معروف و ...  
(۵۷ تا ۷۶)

### پنج: سقوط شرط عدم ضرر با اهمیت واجب

اساس این نظریه این است که شرط عدم ضرر و مفسده در امر به معروف و نهی از منکر در صورتی است که اهمیت یک واجب کمتر و یا حداقل مساوی با ضرری باشد که متوجه آمر و ناهی و یا اطرافیان آنان می شود، زیرا معقول نیست یک مؤمن جان شریف و یا عرض عزیز خود را برای یک واجب و یا حرامی که در منظومه آموزه‌های دین، جایگاه پر اهمیتی ندارد، خرج نماید و در برابر هزینه پربهاء، منفعت کم قدری را کسب نماید اما اگر واجبی یا حرامی در این منظومه از بهاء بیشتری نسبت به ضرر بر خوردار باشد و یا اگر اساس دین و شریعت و پایه‌های ایمان در خطر باشد، طبیعی است که خرج مال، جان و آبرو در مقابل آن نه تنها جایز بلکه واجب باشد.

نخستین فقیهی که به این مهم توجه داده، میرزای قمی در جامع الشتات است که اصل لزوم اهم و مهم کردن در امر به معروف و نهی از منکر را مورد توجه قرار داده است.<sup>۱</sup> همزمان با وی صاحب ریاض در نقد نظریه علامه حلی به این مهم توجه داشته و اقدام امام حسین را برای نجات اصل مذهب لازم می شمارد: «لا ریب أنّ فی شهادته إحياءً لدين الله قطعاً، لاعتراض الشيعة على أخيه الحسن في صلحه مع معاوية، و لو صالح (عليه السلام) هو أيضاً لفسدت الشيعة بالكلية، و لتقوى مذهب السنة و الجماعة، و أيّ مصلحة أعظم من هذا، و أيّ مفسدة أعظم من خلافه؟ كما لا يخفى؛<sup>۲</sup> تردیدی نیست که در شهادت امام حسین (ع)، احیاء دین بوده است، بخاطر اعتراض شیعه به برادرش امام حسن (ع) که با معاویه صلح کرده بود، اگر آن حضرت هم صلح می کرد شیعه به کلی نابود می شد و مذهب سنت و جماعت تقویت می گردید. چه مصلحتی بالاتر از این وجود دارد و چه مفسده‌ای برخلاف این می تواند وجود داشته باشد، چیزی که مخفی نیست».

محمد حسن نجفی صاحب جواهر نیز برای حفظ اصل دین و شریعت، قیام شهادت طلبانه امام حسین (ع) را توجیه پذیر دانسته است، آنجا که می گوید: «و ما وقع من الحسين عليه السلام مع أنه من الأسرار الربانية و العلم المخزون يمكن أن يكون لاختصار الطريق في ذلك، ... مضافاً إلى ما ترتب عليه من حفظ دين جده صلى الله عليه و آله و شریعتة و



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هفتم  
بهار ۱۳۹۵

۱. ر.ک: میرزای قمی، ۱/ ۴۲۱.

۲. صاحب ریاض، ۸/ ۶۴.

بیان کفرهم لدى المخالف و المؤلف؛ آنچه که از امام حسین (ع)، سر زده با این که از اسرار ربانی و علم پنهان الهی است ... ممکن است از باب انحصار راه در آن باشد ... علاوه آن که حفظ دین و شریعت جدش (ص) و بیان کفر یزیدیان در نزد مخالفان و موافقان، بر اقدام امام حسین (ع) مترتب بوده است».

### نظریه امام خمینی

در میان فقهاء شیعه، امام خمینی تنها فقیهی است که علاوه بر توضیح و تشریح نگاه اخیر و طرح آن در حد یک نظریه، در عرصه‌های سیاسی اجتماعی نیز بدان عمل کرده و با توجه به خطرات عظیمی که برای خود، خانواده و دوستان و یاران وجود داشته در برابر طاغوت زمان خود قیام کرده است و این شیوه را در میان آزاد مردان و مبارزه جویان علیه ظلم و استبداد نهادینه کرده است. امام در این باره می‌گوید:

«لو كان المعروف و المنكر من الامور التي يهتم به الشارع الاقدس لحفظ نفوس قبيلة من المسلمين و هتك نواميسهم او محو آثار الاسلام و محو حجته بما يوجب ضلالة المسلمين او احاء بعض شعائر الاسلام كبيت الله الحرام بحيث يحى آثاره و محله و امثال ذلك، لابد من ملاحظه الاهميه، و لا يكون مطلق الضرر - و لو النفسى - او الحرج موجبا لرفع التكليف، فلو توقفت اقامة حجج الاسلام بما يرفع بها الضلالة على بذل النفس او النفوس فالظاهر وجوبه فضلا عن الوقوع فى ضرر او حرج دونها؛ اگر معروف و منكر از چیزهایی باشد که شارع اقدس به آن اهمیت می‌دهد مانند حفظ جان قبیله‌ای از مسلمین، و هتك حرمت نوامیس آنها. یا از بین بردن آثار اسلام و محو دلیل (حقانیت) اسلام بطوری که موجب گمراهی مسلمین گردد یا از بین بردن بعضی از شعائر اسلام مانند بیت الله الحرام بطوری که آثار و محل آن محو شود، و مانند اینها، باید ملاحظه مهمتر بودن را نماید، و هر ضرری اگر چه ضرر جانی باشد یا حرج، موجب رفع تکلیف نمی‌باشد پس اگر برپا داشتن حجت‌ها (و دلیلهای حقانیت) اسلام - بطوری که بوسیله آنها - گمراهی - برطرف شود - متوقف بر بذل جان یا جانها باشد ظاهر آن است که واجب باشد، چه - رسد به اینکه در ضرر یا حرجی که کمتر از بذل جان است واقع شود.»<sup>۱</sup>

نسبت سنجی  
شرط «عدم ضرر»  
در امر به معروف و ...  
(۵۷ تا ۷۶)

۱. خمینی، تحریر الوسیله، ۴۰۶/۱.

از نظر امام خمینی حتی اگر در اسلام بدعتی واقع شود و سکوت علمای دین و رؤسای مذهب موجب هتک اسلام و تضعیف اعتقادات مسلمین شود، بر آنان واجب است به هر وسیله‌ای که ممکن است انکار نمایند؛ چه انکار آن‌ها در ریشه‌کن ساختن فساد، مؤثر باشد یا نه. همچنین است اگر سکوت آنان از انکار منکرات، موجب آن باشد و ملاحظه ضرر و حرج نمی‌شود بلکه ملاحظه اهمیت می‌شود.

بالاخر از آن این که اگر در سکوت علمای دین و رؤسای مذهب ترس این باشد که منکر، معروف یا معروف، منکر شود، بر آنان واجب است که علمشان را ظاهر نمایند و سکوت جایز نیست ولو این که بدانند که انکارشان در ترک کار فاعل، مؤثر نیست. و در جایی که حکم از مسائلی باشد که مورد اهمیت جدی شارع مقدس است ملاحظه ضرر و حرج نمی‌شود.

در نگاه امام همچنین اگر در سکوت علمای دین و رؤسای مذهب تقویت ظالم و تأیید او باشد سکوت کردن بر آنان حرام است و بر آن‌ها واجب است اظهار کنند ولو این که در رفع ظلم او مؤثر نباشد. چنان که اگر سکوت علمای دین و رؤسای مذهب موجب جرأت ستمکاران بر ارتکاب بقیه محرمات و ایجاد بدعت‌ها شود، سکوت کردن بر آنان حرام است و بر آن‌ها واجب است انکار نمایند؛ اگر چه در از بین بردن حرامی که صورت می‌پذیرد، تأثیری نداشته باشد. و نیز اگر سکوت علمای دین و رؤسای مذهب موجب سوء ظن به ایشان و هتک آنان و نسبت دادنشان به چیزی که صحیح نیست و منتسب شدن چیزی به ایشان که جایز نیست بشود، مانند این که اعوان ظلمه به حساب آیند، بر آن‌ها واجب است برای برطرف کردن ننگ از ساحت خویش انکار نمایند؛ ولو این که در رفع ظلم اثر نکند!

به اعتقاد امام خمینی قیام امام حسین (ع)، غیر از انجام همین واجب فقهی نبوده است. امام حسین (ع)، اگر چه می‌دانست خود و خانواده خویش را در این راه فدا خواهد کرد، اما تکلیف امر به معروف و نهی از منکر ایجاب می‌کرد که گوهر دین را از دست اشراک نجات دهد و حکومت صالحان را جایگزین آن کند:

«حضرت سید الشهداء - سلام الله علیه - به همه آموخت که در مقابل ظلم، در



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هفتم  
بهار ۱۳۹۵



مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد. با اینکه از اول می دانست که در این راه که می رود، راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند و این عزیزان اسلام را برای اسلام قربانی کند، لکن عاقبتش را هم می دانست.<sup>۱</sup> «سید الشهداء- سلام الله علیه- که همه عمرش را و همه زندگی اش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومتها در دنیا ایجاد کردند، تمام عمرش را صرف این کرد و تمام زندگی اش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین برود؛ معروف در کار باشد، منکرات از بین بروند ... تمام حیثیت خودش، جان خودش را و بچه هایش را، همه چیز را در صورتی که می دانست قضیه این طور می شود ... این جور نبود که آمده است ببیند که، بلکه آمده بود حکومت هم می خواست بگیرد، اصلاً برای این معنا آمده بود و این یک فخری است»<sup>۲</sup>

مبنای امام خمینی در این نظریه این است که امام حسین (ع)، یک فرد بود که در مقابل مصالح جامعه واقع شده و در تعارض مصلحت فرد با جامعه، فرد باید فدا شود:

«تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام. و همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هر چه بزرگ باشد- بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا- وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد این فرد، باید فدا بشود. سید الشهداء روی همین میزان آمد، رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد؛ که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود؛ لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ، باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند. جانها را دادند، مالها را دادند، زحمتهای کشیدند».<sup>۳</sup>

از این رو، نهضت عاشورا بر خلاف برخی بزرگان که آن را قابل تأسی نمی دانستند، در نظریه امام خمینی قابل تأسی خواهد بود و از نظر ایشان: «ما سر مشق باید بگیریم از اینها و ما باید قیام کنیم در مقابل ظلم؛ مسلمانها باید در مقابل

۱. خمینی، صحیفه امام، ۵۲ / ۱۷

۲. همان، ۳-۲ / ۲۱

۳. همان، ۲۱۷ / ۱۵

نسبت سنجی  
شرط «عدم ضرر»  
در امر به معروف و ...  
(۵۷ تا ۷۶)

- جورها، در مقابل ظلمها، در مقابل منکرات قیام کنند»<sup>۱</sup> چون « مگر نه آن است که دستور آموزنده «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاء» باید سرمشق امت اسلامی باشد. قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین، عاشورا قیام عدالت خواهان، با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ، در مقابل ستمگران کاخ نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحه زندگی است در هر روز و در هر سرزمین»<sup>۲</sup>.
- بنا بر این، نظریه امام خمینی در باب نسبت سنجی شرط «عدم ضرر» در امر به معروف و نهی از منکر با «رفتار امام حسین (ع)»؛ دارای چهار محور خواهد بود:
- حرکت امام (ع) یک حرکت کاملاً سیاسی و حساب شده در جهت برپایی حکومت اسلامی و به عنوان یک تکلیف بود.
  - آگاهی امام (ع) به شهادت، مانع این حرکت نبود و امام (ع) در عین علم به شهادت خود و سرنوشت قیام، به انگیزه یاد شده حرکت نمود.
  - مصالح عالی و پر اهمیت اسلام در هیچ شرایطی نادیده گرفته نمی شود و عسر و حرج و ضرر، موجب رفع تکلیف امر به معروف و نهی از منکر نمی گردد. خسارت و ضرر جانی را نیز باید برای چنین اموری پذیرفت و این یک تکلیف شرعی است.
  - این قیام و اقدام امام (ع)، کاملاً قابل تاسی و به عنوان یک الگو، برای همیشه و برای همه مسلمانان است.<sup>۳</sup>



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هفتم  
بهار ۱۳۹۵

۱. همان، ۳/۲۱

۲. همان، ۹/۴۴۵

۳. ر.ک: مرتضوی، ۸۴

## کتابنامه

- حلی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، دوم، ۱۴۱۰هـ.ق.
- حلی، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، تذکره الفقهاء (ط - الحديثه)، ۱۴ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، هـ.ق.
- حلی، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۵ جلد، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد - ايران، اول، ۱۴۱۲هـ.ق.
- خرازی، سيد محسن، دلائل عقلی و نقلی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، مجله حکومت اسلامي، ش ۲۳.
- خميني، سيد روح الله موسوي، تحرير الوسیله، ۲ جلد، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ايران، اول، هـ.ق.
- خميني، سيد روح الله موسوي، صحيفه امام خميني، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- شريف الرضى، محمد بن حسين، نهج البلاغه (للصبحي صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- شهيد ثانی، زين الدين بن علي، الروضة البهيّة في شرح اللمعة الدمشقيّة (المحشّي - سلطان العلماء)، ۲ جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، ۱۴۱۲هـ.ق.
- صاحب رياض، حائري، سيد علي بن محمد طباطبايي، رياض المسائل (ط - الحديثه)، ۱۶ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ۱۴۱۸هـ.ق.
- طوسي، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادي إلى طريق الرشاد (للشيخ الطوسي)، در يك جلد، انتشارات كتابخانه جامع چهلستون، تهران - ايران، اول، ۱۳۷۵هـ.ق.
- طوسي، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، در يك جلد، دارالكتاب العربي، بيروت - لبنان، دوم، ۱۴۰۰هـ.ق.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، اول، ۱۴۰۹هـ.ق.
- عراقی، آقا ضياء الدين، علي كزازی، شرح تبصرة المتعلمين (للاغا ضياء)، ۵

نسبت سنجي  
شرط «عدم ضرر»  
در امر به معروف و ...  
(۵۷ تا ۷۶)

- جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴هـ.ق.
- کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۴هـ.ق.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷هـ.ق.
- گیلانی، میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی أجوبه السؤالات (للمیرزا القمی)، ۴ جلد، مؤسسه کیهان، تهران - ایران، اول، ۱۴۱۳هـ.ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، جمعی از نویسندگان، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مرتضوی، سید ضیاء، عاشورا در فقه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴هـ.ق.
- نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء (ط - الحدیثه)، ۴ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۲هـ.ق.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سیپهر سیاست

سال سوم  
شماره هفتم  
بهار ۱۳۹۵